



رویدادهای مهم خاورمیانه از سقوط امپراتوری عثمانی تا به امروز

محسن همزایی

موسسه خاورمیانه

سبب ضعف و نفاق رقبای آنان و از طرف دیگر ناشی از سازمان عالی ارتش آنها بود.

خلق و خوی متناقض و چندوجهی بسیاری از سلاطین عثمانی هنوز هم میان تاریخ نگاران موضوع بحث و جدل و حتی مایه حیرت است. سلطان محمد فاتح نایبمدینه و نماد تمام عیار رژیم عثمانی با تمام جاسان و معایب آن بود. همت و پشتکار سکون ناپذیری وی - که همواره نقشه های جیدینی در سر داشت - گاهی با خشونتیی که حتی از رسم معمول زمان هم فراتر می رفت، همراه بود. ولی همین مرد، در عین حال، جامع تمام کمالات و معنویات زمانه خود بود. وی در تمام عمر عشق و علاقه خود را به علوم و ادبیات اسلامی نشان داد و این کار را نه فقط با بذل مال و حمایت علما و ابداء کرد، بلکه شخصاً نیز مرید ادیب و شاعر بود. او از خود آثار منظومی نیز باقی گذاشته است که مضامین آنها اغزایات تلم صوفیانه و نیم اغزایاتی است که در کلام حافظ شیرازی می بینیم، تجاوز نمی کند. نکته ای که علاقه شدید سلطان محمد فاتح را به ادبیات فارسی نشان می دهد این است که به «چهدی» (یا شهیدی؟) شاعر آناتولی دستور داد که تاریخ عثمانی را به فارسی و به سبک شاهانه فارسی تنظیم کند. سلطان محمد به میراث تمدن های کهن نیز بسیار علاقه مند بود. او به هنرنگام استقرار نظم و آرامش در یونان چنان تحت تأثیر تمدن کهن و کلاسیک این کشور قرار گرفت که دستگاه مستقل اداری شهر آن را بر وی هیچ تغییری بر سر جای خود باقی گذاشت و نیز جالب است بدانیم که بذرفت از شهر «راگو» به جای خراج معمولی، «کتاب خطی» بستانند!

سلطان محمد فاتح که با فتح قسطنطنیه به امپراتوری یکپهلو و یکصد ساله روم شرقی پایان داد، در طول می سال سلطنت خود، شخصاً در ۲۵ جنگ شرکت داشت. گاهی در یک سال به چند جنگ می پرداخت. او نوزده اقلیم را به سرزمین های عثمانی افزود و در منطقه آناتولی یک حکومت مسیحی باقی نگذاشت و سراسر بالکان را به تصرف درآورد. صاحب عزم و اراده ای راسخ بود و وقتی تصمیم به انجام کاری می گرفت تا آن را به مرحله عمل درمی آورد از پای نمی نشست. در اداره حکومت خشن بود. محمد ثانی، قادر بود احساسات و افکار و اندیشه های خوش را تا لحظه عمل پنهان نگاهدارد. وقتی قصد ویا نقشه ای جنگی در سر داشت، لحظه اجرا طرح آن را معنی نگاه می داشت و بوقع و ناگهان متصد خود را آشکار می ساخت و از این رو همیشه دشمنان خود را سردرگم و حیرت زده می کرد. به هنگام جنگ جسور و متهور بود و به هنگام احساس خطر به منظور جلوگیری از شکست، خود را پیشاپیش لشکر می کرد. اندامش بود و در عین حال شاعر و زاده و دور و تمصب بودو شخصیت دعوت از علما به بحث علمی با آنها می پرداخت. از فارسی و رومی، به عربی ترجمه می کرد. از علما و از بیرون هر دین و مذهب عثمانی، در ۱۶۶۳ میلادی ولایت «بوسنی» جزو متصرفات دولت عثمانی درآمد. در ۱۶۶۳ جنگ با ونیز آغاز شد که ۱۷ سال طول کشید. اروپاییان فتح قسطنطنیه را که آخرین واقعه مهم قرون وسطی است - آغاز «قرون جدید» می شمارند، زیرا این فتح تاسیس ترین و مهم و عمیق در تاریخ، مخصوصاً در تاریخ اروپا، داشت.

سلطان محمد فاتح و یک سال، ۸۸۶ هجری قمری، در پنجاه و یک سالگی، درگذشت. برای حفظ انضباط در میان سربازان، خیر مرگش را به مدت یازده روز پنهان نگاه داشتند. سند مهم وجود دارد مبنی بر این که بر اثر همین پنهان کاری، چند سلطان به گرفت و به دستور اسحاق پاشا، بیکر او را میومایی کردند و در «جامع فاتح» به خاک سپردند....

ادامه دارد

بیرحم و خشن، عالم و شاعر سلطان محمد فاتح نیز، مثل بسیاری از سلاطین عثمانی، شخصیت پیچیده و چندگانه ای داشت. برخی از مورخان نوشته اند، که او مردی بود سنگدل و خسیسگر و در همان حال نیزهوش و بزرگوار. به پنج زبان سخن می گفت، آثار نویسندگان یونان را می خواند و به هنر علاقه بسیار داشت. نقاش ایتالیایی «جنتیه بلینی» را به استانبول فراخواند تا چهره اش را نقاشی کند. برای دستگاه اداری و دولتی عثمانی موازین قانونی وضع کرد. وظایف و اختیارات سران دولت را مشخص ساخت، روابط قوه های را تابع قانون کرد، «علما» را سازمان داد، سپاه را گسترش و سروسامان داد، نیروی دریایی فراهم آورد و مسجدها و بناهای مهمی بسیاری را بنیان نهاد. تاریخ راستین امپراتوری عثمانی در واقع با سقوط قسطنطنیه آغاز می شود. سلطان محمد در ۱۶۵۵

محاصره گرفت و سرانجام در سپیده دم روز سه شنبه ۲۹ ماه مه ۱۶۵۳ میلادی (مطابق با ۸۵۷ هجری قمری) حمله را آغاز کرد و بعد از بیگار پنجاه و یک روزه، قسطنطنیه را به تصرف خود درآورد و بدین سان «امپراتوری بیزانس» را برآورد. این فتح تاریخی بزرگ دولت عثمانی را در شمار دولت های بزرگ جهان درآورد و نتایج نظامی و سیاسی و اقتصادی مهمی در پی داشت. لحظه تاریخی تصرف قسطنطنیه را یکی از مورخان با این جملات توصیف کرده است: «سلطان محمد پس از آن که به شهر درآمد، بیکره به «اباصوفیه» رفت، رو به قبله ایستاد و نماز خواند. سلطان محمد برای این که شهر را که در این زمان از سکنه خالی شده بود، دوباره آباد سازد مردمان را از هر جا ترویج کرد که بدانجا بیایند. یونانیانی را که گریخته بودند دعوت کرد که دوباره به شهر خود برگردند و خانه هایی در محله «فنا» و پیرامون



نقاشی چهره سلطان محمد فاتح اثر بلینی، نقاش معروف ایتالیایی

همه شهر بر روی هفت تپه در کنار تنگه «بوسفور» (که اروپا را از ترکیه آسیای جدا و دریای سیاه را به دریای مرمره مرتبط می کند) بنا شده بود و همچون دژی تسخیرناپذیر به نظر می رسید که چشم انداز آن بر تعداد بی شماری از کاخ های باشکوه و برج ها و گنبد های مجلل، اشراف داشت. قسطنطنیه در اوج اعتلای خود در قرن دهم میلادی حدود یک میلیون نفر شهروند داشت که تقریباً از تمام نژادهای جهان بود. کلیسای «آگیا سوفیا» (مسجد اباصوفیه امروزی)، قصر مقدس امپراتوران (که خود وسعت یک شهر را داشت)، میدان ان عظیم مسابقات اسبدوانی و دروازه طلایی (مدخل اصلی شهر) از بزرگترین بناهای متعدد و رفیع آن زمان بودند. قسطنطنیه پیش از آن که در حملات سال ۱۲۰۴ و ۱۲۴۵ غارت شود، ذخایر هنری و ادبی غیرقابل

شکوه در آن روزها نداشت، همیشه در بود که بعد از کناره گیری پدرش (مراد دوم) به سلطنت رسید و هنگامی که مراد در اول محرم ۸۵۵ هجری قمری درگذشت، محمد دوم - که در آن هنگام ۱۹ سال (یا ۲۱ سال) بیشتر نداشت - برای بار سوم بر تخت سلطنت عثمانی جلوس کرد. اطرافان او هواخواهان قسطنطنیه - تازه و بیوزده فتح قسطنطنیه - مرکز حکومت بیزانس - بودند. سلطان جوان هم به یک پیروزی بزرگ نیاز داشت تا قدرت و نفوذ خود را تثبیت کند. بدین ترتیب، بی درنگ تهیه مقدمات برای حمله به قسطنطنیه آغاز شد. قسطنطنیه در سال ۲۲۰ بعد از میلاد، توسط قسطنطین اول به عنوان پایتخت جدید امپراتوری روم، محل «بیزانس قدیم» و به نام خود را از بنیانگذار خویش گرفت. این شهر، که در قرون وسطی از نظر بزرگی و شگوه در آن روزها نداشت، همیشه در

پس از شکست و اسارت سلطان «بازیزد اول»، تیمور لنگ امرا مالک آسیای صغیر را - که به دست عثمانی ها برکنار شده بودند - به مالک شان بازگردانید و باقی مانده کوچک قلمرو عثمانی را به عنوان مشروط بر این که از او اطاعت کند، بدین گونه دولت عثمانی موقتاً متلاشی گشت. پس از بازگشت امیر تیمور از آسیای صغیر، این سرزمین گریز از دستخوش کشمشکن ها گردید و چهار نفر از پسران بازیزد (سلیمان، عیسی، موسی، و محمد) به مدت ۱۱ سال بر سر سلطنت با هم جنگیدند، تا عاقبت محمد (سلطان محمد اول) تاج و تخت را به دست آورد و وحدت عثمانی را بازگرداند. با سلطنت سلطان محمد اول (۱۴۱۶ میلادی، ۸۱۴ هجری قمری)، دوران سلطنت محمد اول بیشتر صرف ترمیم و تحکیم دولت عثمانی و چیره شدن بر طغیان ها و نافرمانی ها شد؛ او امپراتوری را که با تیمور همدست شده بودند، گوشمالی داد، «ونیزی ها» را به جای خود نشاند. محمد اول را پادشاهی ملایم و نیکوکار دانسته اند. از بناهای او دو مسجد، یکی به نام «یشیل جامع» (در بورسه) و دیگری به نام «اولو جامع» (در ادرنه) به جای مانده است.

ششمین سلطان: مراد دوم سلطان محمد اول به سال ۱۴۲۱ میلادی (۸۲۲ هجری) درگذشت و خیر مرگ او را تا ورود «مراد دوم» - که پسر و جانشین وی بود - از سپاهیان پوشیده داشتند.

مراد دوم، دیوار از سلطنت کناره گرفت و پسرش، محمد (بعده معروف به محمد فاتح) را به جای خود منصوب کرد، اما بر اثر حمله «مجارها» و قیام «ینی چری ها» (سربازان پیاده نظام عثمانی) از عزلت خود بیرون آمد و به مقابله با دشمنان پرداخت. در جنگ عظیم «اورتا» مجارها شکست سختی خوردند و پادشاه «مخارستان» به نام «لاسیسلاوس» در این جنگ به قتل رسید. پس از آن «مراد» جنگ های دیگری با مجارها و آلبانیایی ها در پایتخت آغاز کرد که در همه تیرده فتح و ترقی با پی بود. به ویژه در جنگی که در «کوزوو» میان او و متحدین مجار و لهستانی ها و چک ها روی داد.

مراد دوم از سلاطین دانش دوست و فرهنگ پرور عثمانی بود و شاعران و نویسندگان علمای دینی در دربار او بسیار محترم بودند. در دربار سلطان مراد دوم، که علما و شعرا و نویسندگان تشویق و حمایت می شدند، نخستین نمونه های نثر به زبان ترکی، که بیشتر به صورت ترجمه بود، پدیدار شد. مضمون این نوشته ها بیشتر ترجمه قرآن کریم و ترویج ایمان بود. سلطان محمد دوم، فاتح قسطنطنیه سلطان محمد دوم (مشهور به محمد فاتح) نخستین پادشاه دوازده ساله

کتاب به جای سکه طلا

سلطان محمد فاتح بابت خراج از ملل مغلوب به جای سکه طلا، کتاب می گرفت!



عکس پرتره نقاش کتاب Ottoman Court Painter Fausto Zonaro. سلاتی متر است و در موزه اسلامیون نگهداری می شود. ابعاد این تابلو ۹۹ × ۷۲ سانتی متر است و در موزه اسلامیون نگهداری می شود.

قصر اسقف بزرگشان، به آنها واگذار کرد. البته به اینان اجازه نداد که در کارهای دولتی وارد شوند. این مهاجران شغلهشان کارگری، صنعتگری، صرافیی و مانند اینها بود و در امن و رفاه به سر می بردند. «محمد فاتح» مردها، مصالحات تسخیر شده مانند صرب ها، بلغارها و ارمنیان را نیز از میهن شان به قسطنطنیه کوچ داد. به همین سبب قسطنطنیه - با استانبول امروزی - هنوز هم شهری است که در ماهی از نژادهای مختلف، با چهره های مختلف و زبان های متفاوت را در خود جای داده است. تسکینات اداری هوشمندانه ای که سلطان محمد دوم بنیان نهاد، تا قرن شانزدهم دوام یافت. قسطنطنیه در طول این ایام شهری تیزرگ و پابستخت سرزمین های خاوری مدیترانه شد.

سلطان محمد دوم، با فتح قسطنطنیه به حکومت هزار و یکصد ساله امپراتوری روم شرقی (بیزانس) پایان داد و از آن روز عصر نوینی در تاریخ جهان آغاز گردید

صوری داشت. این شهر وقتی که به دست عثمانی افتاد تقریباً خالی از سکنه شد، اما پس از انتقال دربار سلاطین عثمانی (یعنی: باب عالی) بدانجا، طولی نکشد که دوباره رونق بیافت. سلاطین عثمانی نیز با برافراشتن مساجد، کاخ ها، میدان ها، قواره ها، حمام ها و بناهای عمومی دیگر بر آراستگی آن افزودند و قسطنطنیه بزودی از مراکز سیاسی و بازرگانی بزرگ اروپا شد. سلطان محمد فاتح که در سال ۸۵۵ هجری قمری (مطابق با ۱۴۵۱ میلادی) بر تخت سلطنت نشسته بود، سال بعد خود را برای تصرف قسطنطنیه آماده کرد تا به از روی میرین پدرارتن جامع عمل بپوشاند، او قلمه حکم رومی اولی حصار را برای حمله به شهر بنا کرد و با توپخانه مجهز و عظیمی شهر را از دریا و خشکی در

اندیخات و بدیختی های امپراتوری بیزانس سپیم بود و عاقبت روزی رسید که امپراتوری به این شهر و حومه آن، به محض تصرف شده بود. قسطنطنیه به دفعات بی شمار از سوی دشمنان امپراتوری محاصره شد، اما فقط ۱۴۵۳ میلادی (۸۵۴ هجری) توسط «سلطان محمد فاتح» اتفاق افتاد. قسطنطنیه شهری مستحکم است. احتمالاً محنوی او گرد و مواد (آتش یونانی، از آن دفاع اشتعالی است که در واقع آتش امیاب) بوده و از آن برای آتش زدن کشتی های دشمن استفاده می شده است. احتمالاً محنوی او گرد و مواد مختلف سریع اشتعال و ماده ای از قبیل آهک) بوده است که با آب حرارت تولید می کند. قسطنطنیه باره های متعدد داشته و